

متن پرسش

با سلام خدمت استاد طاهرزاده عزیز: سوالی رو درباره زیارت عاشورا خدمتون پرسیدم که درباره یک مقاله و تحقیق بود. بنده جواب شما را به سمع آن عزیزان رساندم و آنها چنین جوابی نوشتند که خدمت شما ارائه می‌کنم: سلام جناب بدیعی خود استاد طاهرزاده می‌گوید: «تا آنجا که یادم هست ...» این یعنی ایشان دارند از حافظه خود مطلبی می‌یگویند. ضمناً می‌گویند قبلاً نیز چنین تحقیقاتی دیده‌اند. بنده می‌دانم قبلاً در سال ۲۰۰۵ آیت الله حسین الراضی کتابی نوشتند که نایاب است. ادعای آیت الله الراضی مطلبی فراتر از مطالب مقاله ما بوده و هست. از ظاهر سخنان استاد طاهرزاده معلوم است که در روزهای اخیر مقاله ما را که یک کار جدید و مستقل از کار آیت الله الراضی است مطالعه نکرده‌اند و گمان می‌کنند این تحقیق نیز مثل برخی از تحقیقات قدیمی است. البته بنده که خود همراه یکی از استادان برجسته علوم حدیث کشور، توفیق یافته‌ام این مقاله را بنویسم از نسخه‌های قدیمی مطلع هستم و مطمئنم استاد طاهرزاده از برخی عرایض ما بی‌خبرند. وقتی ایشان مقاله را نخوانده‌اند چطور می‌توانند جواب بدهند؟! در هر حال بنده ذره‌ای تردید درباره صحت مطالب مقاله خودمان ندارم که حالا بخواهم از استاد طاهرزاده بپرسم. گفتنی است این مقاله، یک مقاله علمی پژوهشی است و از فیلتر چندین استاد که تخصصشان در شناخت حدیث قطعاً بیش از استاد طاهرزاده است گذشته است و هیچ نیازی نیست امثال بنده در این باره از ایشان نیز کسب اطلاع کنیم. وقتی استاد علی اکبر فاری صفت(ره)، علامه سید مرتضی عسکری(ره) و آیت الله معرفت(ره) و آیت الله الراضی و آقای بی‌آزار شیرازی و دکتر الویری و دکتر مجید معارف و دکتر ایزدی و دیگران با نظر ما موافقت معنا ندارد ما از استاد طاهرزاده نیز بپرسیم. جالب است که ایشان خودشان فرد صادق، متواضع و منصفی هستند و قبلاً یادم هست در یک مورد تصریح کردند که در علم رجال حدیث متخصص نیستند. بنده برای خدمات ایشان و صداقت ایشان احترام قائلم ولی نه ایشان و نه حتی بسیاری از علمای مشهور، در علوم رجال و حدیث تخصص بالایی ندارند. در هر حال وضعیت بنده مثل کسی است که با چشم خودش هلال ماه رمضان را دیده باشد ولی افرادی که ندیده‌اند مکرراً به او اصرار می‌کنند که ماه رمضان نشده است!! بنده در مقاله مفصلاً مشخصات نسخه‌های خطی را ذکر کرده‌ام و بطور مستند نشان داده‌ام که قبل از قرن ۱۱، عبارت «... الثانی و الثالث و الرابع...» در نسخه‌ها نبوده است. حالا چرا باید بخاطر یک احتمال ضعیف از آنچه با چشم خود دیده‌ام عقب نشینی کنیم و به چشمان و دشمنان شک کنیم؟! وانگهی زیارت عاشورا در زمان ما به شعایر تشیع تبدیل شده و نباید درباره آن با سهل‌گیری رفتار کرد. باید علمی و مستند حرف زد. مقاله ما نمونه یک کار علمی است.

امیدوارم هر کس می خواهد درباره مقاله ما نظر بدهد اولاً آن را کاملاً مطالعه کند ثانیاً توجه کند که نویسندگان مقاله هر دو در لم رجال و علوم حدیث تخصص دارند ثالثاً توجه کند که این مقاله پس از تأیید چند تن از استادان برجسته علوم حدیث و کسب تأییدیه ی چاپ در یک مجله علمی پژوهشی چاپ شده است. بسیاری از دوستان هنوز معنای مجله علمی پژوهشی را نمی دانند. مجله علمی پژوهشی مجله ای است که تا زمانی که چند داور برجسته و دانشمند ، اعتبار علمی یک مقاله را تأیید نکنند و تا زمانی که مقاله مستند نباشد آن را چاپ نمی کند. تقریباً معادل مقاله آی اس آی (isi) است در هر حال بنده مقلد استاد طاهرزاده هستم ولی در این مسأله نمی توانم مقلد ایشان شوم و به چشمان خودم شک کنم. به شما اطمینان می دهم نسخه کنونی زیارت عاشورا اشکال دارد. اصلاً یکی از استدلالهای طرفداران سید صادق شیرازی که عمرکشون برگزار می کنند اینست که می گویند: «مگر در زیارت عاشورا کلمه الاول والثانی و الثالث نیامده؟!» اگر علمای عالیقدر به تحقیق علمی ما توجه فرمایند یکی از بهانه های طرفداران سید صادق شیرازی از آنها سلب خواهد شد. استاد طاهرزاده عزیز ممنون می شوم اگر جواب این عزیزان داده شود. با تشکر

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: همان طور که آن عزیز فرموده اند این یک کار علمی است که باید در معرض نظر موافق و مخالف در همان حوزه قرار گیرد تا ان شاءالله برکات آن نصیب همه بشود. بنده این کار را به فال نیک می گیرم و همان طور که در کتاب «زیارت عاشورا» عرض کردم حتی اگر هم قسمت اول و ثانی جزو متن زیارت عاشورا باشد معلوم نیست که منظور خلفاء باشند. موفق باشید.